

در نگاهی اجمالی

سیر اصلاحات

در سازمان ملل متحد

محمودرضا گلشن پژوه

ملل اساساً با ماهیت هرگونه سازمان ملی یا دولتی یا حتی بسیاری از سازمانهای بین‌المللی نیز تفاوت دارد. سازمان ملل متحد، ساختاری بسیار پیچیده و غیرمتمرکز با کارکردی چند جانبه است که دستورالعمل گسترده تهیه شده برای آن نه تنها حرکت آن را بسیار کند و بطئی نموده، بلکه فرصتی کافی برای ارائه انتقاد از سوی بیش از ۱۹۰ کشور عضو و هزاران سازمان غیردولتی و کارشناس مستقل را هم فراهم نموده است. تعداد کم اصلاحات در این سازمان مهم و روند پیچیده و ناکارای آن به علت اختلافات عمیق سیاسی میان اعضای آن و نیروهای مخالف در نظام بین‌المللی است؛ که خود سازمان را نیز به صورتی چندپاره و متضاد

اقدامات اصلاحی هم ممکن و هم لازم است، اما نیازمند فرآیند پیچیده‌ای از مذاکرات می‌باشد، تا همه‌ی اعضا به این احساس دست یابند که در قبال آن، چیزی به دست خواهند آورد. (جیمز پاول)

درآمد

مقالات و پژوهشهای عدیده‌ای درخصوص اصلاحات نگاشته شده و کارشناسان و پژوهشگران دولتی یا مستقل بسیاری، پیرامون آن سخنرانی کرده یا مطلب تهیه کرده‌اند؛ چرا که نفس اصلاحات در سازمان ملل با مفهوم اصلاحات در هر سازمان و نهاد دیگری متفاوت می‌نمایند، هر چند ماهیت سازمان

دیدگاهها نسبت به اصلاحات در سازمان ملل مربوط به تفاوت انتظارات از نقش این ارگان در عرصه‌ی بین‌الملل است.

از سویی دیگر، روند اصلاحات در سازمان ملل، روندی نیست که بخشهای مختلف آن، با سرعتهای برابر در این روند شرکت داشته باشند. برای مثال، اصلاح در منشور و ساختار، فرآیندی است بسیار پیچیده و مشکل‌آ که تاکنون تنها سه بار به اجرا گذاشته شده است: یکبار برای افزایش تعداد اعضای غیردائم شورای امنیت و دوبار نیز به منظور افزایش تعداد اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل. اما رویه‌های مربوط به آیین کار داخلی آژانسهای تخصصی یا برنامه‌های سازمان، بارها و بارها تغییر یافته و اصلاح شده است.^(۱) اصلاحات در دبیرخانه نیز تقریباً هر هشت سال یکبار در سالهای ۵۶-۱۹۵۳؛ ۶۶-۱۹۶۴؛ ۷۷-۱۹۷۴؛ ۸۶-۱۹۸۵ و ۹۶-۱۹۹۲ صورت پذیرفته است.^(۲)

همین‌طور آیین‌نامه‌های اجرایی شورای امنیت، مجمع عمومی و شورای اقتصادی و اجتماعی چندین بار تغییر یافته و هنوز نیز این روند ادامه دارد. حتی شورای قیمومیت نیز پس از آنکه امکان حذف آن - به واسطه ابهامات منشور - به وجود نیامد، فعالیت‌های خود را کاملاً

در مقابل، دیدگاه رهبران کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته به نقش سازمان ملل متفاوت است. آنان به احیای سازمان ملل برای کاهش فشار قدرتهای بزرگ و وسیله‌ای برای حل مسائل جهانی از طریق اقدامات مشترک نیاز دارند. به این ترتیب قسمتی از تنوع

۱. علت این پیچیدگی را می‌توان در ماهیت ماده ۱۰۸ منشور جستجو کرد. در این ماده آمده: «هرگونه اصلاحیه به این منشور، زمانی برای تمام اعضا الزام‌آور است که توسط رأی دو سوم اعضای مجمع عمومی پیشنهاد و تأیید گردد. این دو سوم کشورها باید پنج عضو دائم شورای امنیت را نیز دربرگیرند.»

به حالت تعلیق درآورد. اما نکته جالب این است که هنوز نه منتقدان نا امید شده‌اند و نه سازمان ملل ناتوانی خود برای اصلاح را اعلام کرده است. از این رو هنوز امید برای بهبود عملکرد این بزرگ‌ترین نهاد بین‌المللی وجود دارد. در هر حال، مقاله حاضر سعی خواهد کرد تا سیر این تحولات را به صورتی اجمالی مورد اشاره قرار داده، تمرکز خود را بر تحولات مربوط به سال ۱۹۹۷ به بعد قرار دهد تا بتواند ارزش بیشتری از جنبه کاربردی پیدا نماید.

۱- اصلاحات از ابتدا تا سال ۱۹۹۷

شاید بتوان اولین تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل متحد را در پژوهش منتشر شده از سوی کمیته مخارج سنای آمریکا در سال ۱۹۴۷ مشاهده نمود که در آن از مشکلات بسیار ناشی از دوباره کاریها، هماهنگیهای ضعیف، رشد سریع برنامه‌ها و بدنه اداری سازمان ملل و... انتقاد شده بود.^(۳) همچنین مباحثی در خصوص تعداد اعضا در نهادهای تخصصی و ارکان سازمان، تلاش برای برقراری موازنه میان گروههای جغرافیایی و ایدئولوژیکی از جمله موضوعات اساسی بودند که مناظره و گفتگو در خصوص آنها از همان سالها شروع شده و تاکنون نیز ادامه یافته است.

رشد سریع تعداد اعضای سازمان ملل در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی، زمزمه‌های مرتبط با افزایش تعداد اعضای غیردائم شورای امنیت را مشخص تر و رساتر نمود.^(۴) هرچند با توجه به

شاخصهای سیاسی آن دوره که دوران اوج جنگ سرد و حداعلای رقابت دو بلوک غرب و شرق محسوب می‌شود، اعمال نفوذ ایالات متحده و شوروی هریک به نوبه خود در به نتیجه رسیدن این تلاشها مؤثر بود، با این حال ارتقای کمی تعداد اعضای سازمان ملل از ۵۱ عضو در سال ۱۹۴۵ به ۱۱۴ عضو در سال ۱۹۶۳، نیروی محرکه بسیار قوی و مؤثری برای مشروعیت بخشی به این تلاشها بود. این امر همراه این واقعیت که در زمان تأسیس سازمان ملل، تنها سه کشور آسیایی و سه کشور آفریقایی جزء پدیدآورندگان نخستین سازمان ملل متحد بودند و در دهه ۶۰ اغلب کشورهای تازه عضویت یافته از این دو قاره برخاسته بودند، فشار مضاعفی را بر مخالفان گسترش شورای امنیت وارد آورد.^(۵) ضمن آنکه اصل پیشین «توافق نزاکتی»^۲ براساس تقسیمات جغرافیایی، دیگر کاربرد نداشت؛ چراکه اغلب براساس این توافق، سهم اعضای غیردائم شورای امنیت به کشورهای آمریکای لاتین و اروپایی موافق دیدگاههای آمریکامی رسید.

در هر حال، در سال ۱۹۶۳ این تلاشها به بار نشست و مجمع عمومی دو قطعنامه ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ را به تصویب رساند که اولی مربوط به پذیرش عضویت کشورهای جدید آفریقایی و آسیایی در مجمع عمومی و دومی بیانگر افزایش اعضای غیردائم شورای امنیت از ۶ عضو به ۱۰

2. Gentleman's Agreement

عضو بود. در این قطعنامه همچنین تأکید شده بود که لفظ اکثریت از این پس به جای ۷ رأی، ۹ رأی را در تصمیمات شورا دربرمی گیرد و همچنین اصل توزیع عادلانه جغرافیایی نیز بین ۱۰ عضو غیردائم رعایت می گردد. قطعنامه‌ی ۱۹۹۱ با رأی ۹۷ به ۱۱ به تصویب رسید. در این میان، چهار کشور نیز به قطعنامه رأی ممتنع دادند. مخالفان قطعنامه اغلب از میان کشورهای بلوک شوروی و همچنین فرانسه بودند و ایالات متحده و انگلستان نیز از ممتنعان به حساب می آمدند.^(۶) این قطعنامه نهایتاً از کشورهای عضو خواست تا این اصلاحات را حداکثر ظرف مدت دو سال در نهادها و مجالس ملی خود، به تصویب برسانند.

نظم نوین حاصل در شورای امنیت تا زمان پایان جنگ سرد ادامه داشت. اما از آن پس و با فروپاشی بلوکهای متخاصم، انتظار می رفت که شورای امنیت که عملاً به صحنه زورآزمایی

دو قطب تبدیل شده بود، نقش فعال تر و زنده تری را در تحولات جهانی بازی نماید. در این مقطع، بحث اصلاحات در دو طریق دنبال شد: نخست، ادامه بحث قدیمی افزایش تعداد اعضا و نحوه رأی گیری و حق وتو و ... و دوم، بهبود شفافیت کاری از طریق روشهای بهبود یافته و ارتقای روندهای تصمیم گیری.^(۷) هرچند مورد نخست از جذابیت بیشتری برخوردار بود، اما تا این لحظه نیز مجمع عمومی نتوانسته بر سر جزئیات آن به توافقی مؤثر دست یابد.

از سویی دیگر، موضوع افزایش تعداد

اعضای سازمان ملل، عملاً افزایش اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی^۳ را نیز لازم نمود. هرچند ارزش این شورا در آن مقطع زمانی که مسائل امنیتی از اولویت برخوردار بودند، هم پای شورای امنیت نبود و انحصار پرداختن به مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به این شورا و جبهه کم اهمیت تری را بخشیده بود. این امر با توجه به این واقعیت که تصمیمات و قطعنامه های شورای مذکور نیز ضمانت اجرایی نداشت، بیشتر رخ می نمایاند. به هر حال در همان قطعنامه ۱۹۹۱ مجمع عمومی، پیشنهاد افزایش تعداد اعضای این شورا نیز از ۱۸ به ۲۷ عضو مطرح گردید که با رأی ۹۶ به ۱۱ به تصویب رسید. تفاوت این رأی گیری (بخش B قطعنامه)

با رأی گیری مشابه آن در خصوص شورای امنیت (بخش A قطعنامه) در حرکت چین از اردوگاه موافقان به گروه ممتنعها بود.

3. ECOSOC

سطح مشارکت در شورا ارتقا یافته، جلسات آن نیز افزایش پیدا کند.^(۹) این رویه در دهه های ۸۰ و ۹۰ نیز پی گیری شد و تذکراتی نیز در خصوص ضعف کلی هیئت رئیسه و همچنین تشکیلات شورا به آن داده شد. به هر حال، شورای

اقتصادی و اجتماعی در حال حاضر با صرف بیش از ۷۰ درصد بودجه مالی و نیروی انسانی سازمان ملل^(۱۰) و دربرگیرندگی بیش از نیمی از فعالیتهای اصلی سازمان ملل، بزرگ ترین رکن این سازمان بین المللی به حساب می آید. این امر، خود، قدرت بسیار شورا را نمایان می سازد، اما ضمانت اجرایی لازم نداشتن برای تصمیمات آن و پیشنهادی بودن آنها عملاً شورا را در موقعیت خاصی قرار می دهد که به هیچ عنوان قابل مقایسه با شورای امنیت نیست.

موج دوم تجدید ساختار اقتصادی و اجتماعی بین سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۷ رخ داد؛ زمانی که بحثها میان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته بر سر برابری اقتصادی و سیاسی بالا گرفته بود. بحث اصلاحات در سازمان ملل نیز این بار به شکل قوی تری بر مسئله کنترل ریاست و اولویتهای هیئتهای سازمان ملل متمرکز شد. از جمله گروه کشورهای در حال توسعه در مجمع عمومی خواهان نظم جدیدی در اقتصاد بین الملل شدند. از این رو در سال ۱۹۷۴، مجمع عمومی از گروهی از کارشناسان خواست تا تغییرات ساختاری در سازمان ملل را برای مواجهه با مشکلات همکاری اقتصادی مورد بررسی قرار دهند. براساس گزارش این

گروه نمی توان تجدید ساختاری را به وجود آورد که با خواست سیاسی کشورهای اصلی در تضاد باشد. به همین دلیل، تنها پیشنهادهای قابل اجرای آنها، تعدیل ساختاری و بودجه ای بود.^(۱۱)

گزارش ارائه شده توسط این گروه به ویژه بر تغییر ساختار شورای اقتصادی و اجتماعی تکیه داشت که یکی از نهادهای اصلی تصمیم گیری بود. کارشناسان این گروه تغییر شکل رادیکال تری را برای دبیرخانه اجتماعی و اقتصادی توصیه کردند.^(۱۲) از جمله پستهای پیشنهاد شده بر این اساس، «پست مدیر کل همکاریهای اقتصادی بین المللی و توسعه» بود. از دیگر پیشنهادهای این گروه که با توجه به وضعیت کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته ارائه شده بود، آن بود که سیستم رأی گیری را در صندوق بین المللی پول و بانک جهانی براساس موازنه جدید قدرت اقتصادی و منافع مشروع کشورهای در حال توسعه توصیه می کرد. این پیشنهاد مسلماً قدرت عمل بیشتری در این نهادها به کشورهای مذکور می داد.^(۱۳) اما در مقابل، کشورهای غربی به طور کلی مخالف هر نوع تغییری بودند که به ادعای آنان، محرکهای سیاسی بی ثباتی شمال و جنوب را بدتر کرده یا کنترل نهادهای برتون وودز را تضعیف می نماید. بلوک شرق نیز مخالف اقداماتی بودند که اصلاحیه منشور را انحصاری کند.^(۱۴) سرانجام بعد از چند سال تلاش برای تغییر ساختار شورای اقتصادی و اجتماعی، در

سال ۱۹۷۷ مجمع عمومی از دیدگاه تعدیل شده گروه کارشناسان پشتیبانی کرد. اما متأسفانه، مجمع بیشتر به بندهایی از پیشنهاد گروه توجه کرد که جنبه کلی و نصیحت گونه داشت.^(۱۵)

در سالهای اخیر نیز دستیابی به یکپارچگی بیشتر یکی از طرحهای اصلاحی کوفی عنان بود که در سال ۱۹۹۷ اعلام شد.^(۱۶) وی با ایجاد چهار کمیته اجرایی، درصدد بود تا تمام بخشهای مرتبط صندوقها و برنامه‌هایی با عنوان صلح و امنیت، گروه توسعه سازمان ملل، امور انسانی و موضوعات اجتماعی و اقتصادی را سازماندهی کند. اقدامات او به ایجاد گروه امور اجتماعی و اقتصادی و دفتر یکپارچه‌ای برای مبارزه با جنایت، موادمخدر و تروریسم در وین انجامید. با این حال، این تلاشها نیز تأثیر کمی بر روند تصمیم‌گیری بین‌دولتی گذاشت. سازمانهای غیردولتی نیز از ابتدای شروع کار گروههای کاری، خواستار دسترسی به آنها و ارائه ایده‌ها و نظارت بر فعالیتشان بوده‌اند. بسیاری از کارشناسان این عرصه معتقدند در مقاطعی از زمان وعده‌هایی توسط دبیرکل و قائم‌مقام او مبنی بر مشاوره با سازمانهای غیردولتی ارائه شد که البته تحت فشار کشورهای قدرتمند هیچ‌کدام به مرحله‌ی عمل نرسید.^(۱۷)

۲- اقدامات کوفی عنان^(۱۸)

کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل در سخنرانی پذیرش تصدی منصب خود در ۱۷ دسامبر

۱۹۹۶، خود را به افزایش تأثیر و کارایی سازمان ملل متحد، متعهد نمود. سال بعد او گزارشی را با عنوان «احیاء سازمان ملل متحد: برنامه‌ای برای اصلاحات» منتشر نمود. این گزارش شامل پیشنهادات گسترده‌ای در زمینه اصلاحات سازمان ملل بود. در سپتامبر سال ۲۰۰۰، ۱۴۷ تن از سران کشورها در کنفرانس سران هزاره گردهم آمدند و مجموعه‌ی جامعی از اهداف و اصول راهنما برای صلح، امنیت، حمایت از محیط‌زیست، کاهش فقر و حقوق بشر را تصویب کردند. اهداف توسعه هزاره ۴ باید تا سال ۲۰۱۵ حاصل گردد و اجرای آن موضوعی برای بررسی سالیانه می‌باشد. دبیرکل در سال ۲۰۰۲ دومین مجموعه از اصلاحات را در گزارش خود با عنوان تقویت سازمان ملل متحد: دستورالعملی برای تغییرات بیشتر ارائه نمود. این گزارش پیشنهاداتی تفصیلی را در زمینه تقویت حقوق بشر؛ اطمینان از اینکه فعالیتهای سازمان ملل با اولویت اعلام شده در اعلامیه هزاره، تنظیم می‌شود؛ و بهبود همکاری و مدیریت در سازمان ملل، در برداشت. متعاقب این تلاشها، در سال ۲۰۰۴ دو گزارش مهم دیگر توسط دبیرکل منتشر گشت: «ما، مردم، جامعه مدنی، سازمان ملل متحد و حکومت جهانی»، گزارشی از افراد عالی رتبه در زمینه روابط سازمان ملل و جامعه مدنی که توسط دبیرکل در سال ۲۰۰۳ خط‌مشها و عملکرد موجود که بر

روابط جامعه مدنی با سازمان ملل تأثیرگذار است از جمله دسترسی و مشارکت و تعیین بهترین اقدامات، منصوب شده بودند.

«جهان امن تر: مسئولیت مشترک ما»، گزارشی از یک هیئت بلند پایه در زمینه تهدیدات، چالشها و تغییرات که در دسامبر ۲۰۰۴ منتشر گشت. گزارشی که به گزارش

هیئت بلند پایه معروف شده است. در مارس سال ۲۰۰۵، دبیرکل به گزارش هیئت بلند پایه در گزارشی به نام «در معرض آزادی بیشتر:

توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همه» پاسخ داد. این پاسخ همراه با گزارش هیئت بلند پایه چارچوبی را برای توجه به صلح، امنیت، توسعه و حقوق بشر فراهم نمود. همچنین آنها

پیشنهاداتی را برای اصلاحات جامع نظام سازمان ملل متحد ارائه کردند. در سپتامبر سال ۲۰۰۵ کشورها و دیگر ذی نفعان برای بررسی فرایند اجرای اعلامیه هزاره و اهداف توسعه

هزاره گردهم آمدند. این زمان همچنین فرصتی برای بحث و جستجوی توافق بر سر پیشنهادات مربوط به اصلاحات سازمان ملل بود.

الف) بررسی اجمالی گزارش نخست
همان گونه که ذکر شد دبیرکل سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۰۳ افراد برجسته ای را برای بررسی موضوعات مربوط به تهدیدات جاری صلح و امنیت و راههای ایجاد «سازمان مللی کارآمدتر» منصوب نمود. گزارش تهیه شده در دسامبر

۲۰۰۴ چارچوب جامعی را برای ترسیم امنیت

جمعی و تهدیدات معاصر و مرتبط فراهم نمود. در وهله اول گزارش به کشورها نقشی برجسته در ترسیم تهدیدات جاری اهدا کرد. همچنین اشاره کرد که این چالشها نیازمند این است که نهادها به صورت ملموس با همدیگر همکاری کنند. این گزارش، ضعف نهادی سازمان ملل را به شرح ذیل مشخص نمود.

- ناکامی مجمع عمومی در پرداختن به مسائل ضروری؛
- فقدان اقدام کنش گرایانه شورای امنیت؛
- کمبود مشروعیت کمیسیون حقوق بشر.

هیئت تهیه کننده این گزارش توصیه هایی را در زمینه تغییر در ارکان اصلی سازمان ملل متحد از جمله توسعه شورای امنیت و اصلاح کمیسیون، ارائه نمود. این هیئت همچنین ایجاد تشکیل کمیسیون برقراری صلح را پیشنهاد نمود.

۱- پیشنهادات مربوط به اصلاح مجمع عمومی
در بخش کوتاهی از گزارش هیئت بلند پایه به اصلاحاتی در زمینه مجمع عمومی اشاره شده و توصیه گشته کشورهای عضو تلاش نمایند تا اجماع جدیدی در زمینه اقدامات امنیت جمعی مؤثرتر و گسترده تر را در کنفرانس بررسی هزاره جستجو نمایند. این هیئت، توصیه هیئت روابط سازمان ملل و جامعه مدنی در این باره که مجمع عمومی باید ملاقاتهای سازمان یافته با جامعه مدنی داشته باشد را مودر تأیید قرار داد.

۲- پیشنهاداتی در زمینه اصلاح شورای امنیت
هیئت بلند پایه دریافت که اقدامات شورای

امنیت برخی اوقات فاقد انسجام، کارایی و یکسان‌نگری می‌باشد. آنها عضویت بسیار محدود در این رکن سازمان ملل را به عنوان فاکتوری که پشتیبانی از تصمیمات این شورا تحلیل می‌برد مورد شناسایی قرار داده و به دنبال آن پیشنهاد نمودند لازم است کشورهای که از لحاظ مالی، نظامی و دیپلماتیک کمک بیشتری به سازمان ملل می‌کنند در فرایند تصمیم‌گیریها نقش بیشتری داشته باشند و همین طور اعلام شد که کشورهای در حال توسعه باید به طور منسجم‌تر و هدفمندتری در فرایندهای تصمیم‌گیری شرکت داده شوند به طوری که عضویت گسترده‌تر در سازمان ملل متحد را بازتاب دهند. در همین راستا هیئت بلندپایه گسترش شورای امنیت را پیشنهاد و دو مدل جایگزین برای آن ارائه نمود که در هر دو مدل افزایش عضویت در شورای امنیت، از ۱۵ تا ۲۴ عضو را پیش‌بینی و ۳ نوع عضویت را پیشنهاد می‌نمایند:

- در مدل اول ۶ کرسی دائم جدید به همراه ۵ عضو فعلی را پیشنهاد می‌نماید که البته این ۶ عضو دائم جدید بدون حق وتو می‌باشند. در مجموع هیئت بلندپایه بر این نظر است که سیستم حق وتو دیگر مناسب نمی‌باشد اما هیچ راه حلی را در این زمینه ندارند. این مدل ۳ کرسی ۲ ساله اضافه را نیز در نظر می‌گیرد. شورای امنیت، در این مدل می‌تواند شامل ۵ عضو دائم با حق وتو، ۶ عضو دائم بدون حق وتو و ۱۳

کرسی چرخشی باشد.

- مدل دوم هیچ کرسی دائم جدیدی را پیشنهاد نمی‌کند اما به جای آن ۸ کرسی نیمه دائم جدید، بایک دوره ۴ ساله تجدید شونده و یک کرسی جدید برای یک دوره دو ساله غیر تجدید شونده را ارائه می‌نماید. در این مدل شورای امنیت، شامل ۵ عضو دائم با حق وتو، ۸ عضو نیمه دائم بدون حق وتو و ۱۱ کرسی چرخشی می‌باشد.

این هیئت همچنین بررسی بیشتر ترکیب شورای امنیت در سال ۲۰۲۰ را برای اجتناب از وضعیت ایستای دیگری که ترکیب شورا به لحاظ عملی چالش‌ناپذیر می‌سازد، توصیه می‌کند.

۳- کمیسیون پیشنهادی برای برقراری صلح

هیئت بلندپایه دریافت که شکاف سازمانی مهمی در سازمان ملل در زمینه فقدان رکنی که به طور آشکار به کشورهای که در خطر فروپاشی و یا در حال گذارند، پردازد؛ وجود دارد. لذا پیشنهاد کرد که شورای امنیت کمیسیون برقراری صلح را که در وهله اول از طریق هشدار، اقدامات بازدارنده و ایجاد صلح پس از منازعه عمل می‌نماید، تأسیس کند.

۴- اصلاحات پیشنهاد شده برای کمیسیون حقوق بشر

در بخش بسیار کوتاهی از گزارش هیئت بلندپایه به طور خلاصه اصلاح کمیسیون و نقش کمیسیون عالی حقوق بشر و دفترش، مورد بحث قرار گرفته است. این بخش ارتباط

ساختاری کمی با بقیه گزارش داشته و شاید نشان دهنده آن باشد که موضوع مذکور دیر به ذهن آنها خطور کرده است. در هر حال، هیئت بلندپایه اشاره می کند از آنجا که هدف دولتها از عضویت در کمیسیون، نه جهت پیشبرد حقوق بشر بلکه برای اجتناب از آنها و همچنین داشتن حق برای انتقاد از دیگران است، اعتبار و حرفه‌ای‌گری کمیسیون تحلیل یافته است و در نتیجه بررسی نحوه عضویت در مرکز مباحث اصلاحات کمیسیون قرار داد. هیئت بلندپایه از معرفی معیار عضویت، از قبیل سابقه خوب در حقوق بشر یا تصویب همه معاهدات اصلی حقوق بشر به عنوان معیاری که به نظر نمی‌رسد مشکلات اخیر را حل کند، حمایت نکرده و به جای آن عضویت جهانی را پیشنهاد می‌کند. آنها عضویت جهانی را به صورت زیر می‌بینند:

- افزایش مشروعیت کمیسیون از طریق دربرگیری هر کشور عضو سازمان ملل به عضویت در کمیسیون؛
- جلب توجه‌ها نسبت به بازنگری در مسائل اساسی.

هیئت بلندپایه پیشنهاد نمود که در زمان طولانی‌تر، کمیسیون باید به یک رکن اصلی سازمان ملل، یک شورای حقوق بشر، در کنار شورای اقتصادی و اجتماعی و شورای امنیت، تبدیل گردد. این هیئت همچنین ایجاد یک شورای مشورتی از متخصصان مستقل را برای کمیسیون پیشنهاد نمود. در این پیشنهاد، شورا می‌تواند منطبق احتمالی مکانیزمهای موضوعی

کمیسیون را پیشنهاد کرده و خود بعضی اختیارات در رابطه با پژوهش و معیارسازی را به انجام برساند. هیئت بلندپایه پیشنهاد کرد که کمیسیون عالی حقوق بشر، گزارشی سالیانه از وضعیت حقوق بشر در سراسر دنیا، به طوری که مبنایی برای گفتگوهای کمیسیون در زمینه وضعیت کشورها قرار گیرد، را تدوین نماید. این گزارش باید برپایه اطلاعاتی از هیئتهای نظارتی معاهدات، رویه‌های تخصصی کمیسیون و هرگونه منبع مناسب دیگر باشد. این هیئت ارتباط نزدیک‌تر کمیسیون عالی حقوق بشر را در کار با شورای امنیت مورد تأکید قرار می‌دهد که بازتاب دهنده اهمیت بیشتر حقوق بشر در بحثهای شورای امنیت می‌باشد و پیشنهاد می‌کند قبل از تشکیل شورای حقوق بشر، کمیسیون عالی اطلاعات لازم را در مورد جنبه‌هایی از کارش که مربوط به موضوعات مورد توجه شورا است را به اطلاع آن برساند. این هیئت در نهایت ابراز می‌دارد که با توجه به اینکه منشور ملل متحد ارتقاء و حمایت از حقوق بشر را به عنوان یکی از اهداف اصلی سازمان ملل متحد مورد شناسایی قرار داده است، دفتر کمیساریای عالی در زمینه حقوق بشر، ۵ بخش کوچکی از - کمتر از ۲ درصد - بودجه اصلی سازمان ملل متحد را دریافت نماید. اساساً این توصیه که بودجه دفتر افزایش یابد نشان دهنده اهمیتی می‌باشد که به حقوق

بشر در منشور ملل متحد داده شده است.

ب) بررسی اجمالی گزارش دوم

دبیرکل به گزارش هیئت بلندپایه در ۲۱ مارس ۲۰۰۵ پاسخ داد. جالب آنجا بود که دبیرکل در گزارش توجه بسیار کمی به مسئله حقوق بشر کرد و پیشنهادات وی در برخی جهات، از گزارش هیئت بلندپایه متفاوت بود. به طور کلی، دبیرکل صلح و امنیت، توسعه و حقوق بشر را به عنوان سه پایه نقش و کار سازمان ملل مورد تأیید قرار داد، اما او خاطر نشان می‌کند که ساختارهای سازمان ملل بازتاب دهنده اولویتهای برابر در این سه حوزه در منشور ملل متحد، نیست و پیشنهاد می‌کند از طریق اصلاح سیستم شوراها در سازمان ملل و با داشتن سه شورا - شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی و یک شورای جدید به نام حقوق بشر - که هر سه به طور مشترک برای پیشبرد برنامه عمل سازمان ملل پاسخگو هستند، این عدم تعادل مورد ملاحظه قرار گیرد.

این گزارش بر محور چهار موضوع که به شاخه‌هایی از موضوعات مختلف تقسیم می‌گردد، قرار دارد:

- آزادی از فقر؛
- آزادی از ترس؛
- آزادی برای زندگی شرافتمندانه؛
- تقویت سازمان ملل متحد.

چارچوب این گزارش توسط مجمع عمومی برای گفتگو و بحث در زمینه تدارک کنفرانس

سران بررسی هزاره در سپتامبر مورد استفاده قرار گرفته است. این گزارش به مسائل حقوق بشر تحت سایه «آزادی برای زندگی شرافتمندانه» پرداخته و در آن به نیاز برای اجرای استانداردها و اصول حقوق بشر تأکید شده است. گزارش مذکور نیاز به افزایش منابع برای کارهای مرتبط به حقوق بشر در سراسر نظام سازمان ملل (به دنبال برنامه اقدام ۲ که در اکتبر ۲۰۰۴ آغاز شد) و تقویت توان حوزه‌های موجود دفتر کمیساریای عالی در زمینه حقوق بشر را مورد تصدیق قرار می‌دهد. دبیرکل همچنین از نقش فعال‌تر برای کمیسیونر عالی در مذاکرات شورای امنیت حمایت کرده است. به طور کلی این گزارش از تقویت این منصب بخصوص از طریق تخصیص منابع بیشتر حمایت می‌کند. لازم به ذکر است کمیسیونر عالی حقوق بشر در پاسخ به درخواست دبیرکل برنامه عملی را برای اجرای توصیه‌های مرتبط به حوزه کاریش در ماه مه ۲۰۰۵، تقدیم نمود. دبیرکل همچنین توصیه می‌کند که دستورالعملهای گزارش دهی سازمانهای نظارتی معاهده باید نهایی شده و برای اطمینان از کارایی بیشتر و سیستم یکپارچه قوی‌تر به اجرا در آیند.

این گزارش از حق دموکراسی به عنوان یک حق جهانی حمایت می‌کند. در حالی که سازمان ملل متحد در فعالیتهای مختلفی در زمینه تقویت و ارتقا اقدامات و نهادهای دموکراتیک درگیر است دبیرکل تأیید می‌کند که شکاف چشم‌گیری در این زمینه وجود دارد. بنابراین او

از ایجاد صندوق دموکراسی که وظیفه‌اش فراهم نمودن کمک به کشورهای که خواستار تقویت یا ایجاد دموکراسی است، حمایت می‌کند. ایده صندوق دموکراسی در اصل از طرف ایالات متحده آمریکا اعلام و در ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۴ توسط بوش رئیس‌جمهور این کشور به مجمع عمومی ارائه گشت. در این گزارش، دبیرکل برای نشان دادن نیاز به تقویت سازمان ملل متحد ابراز نمود که سازمان باید بنا به نیاز و شرایط زمان تغییر کند و بنابراین تأکید کرده است که سازمان ملل باید درها را برای سازمانهای جامعه مدنی باز کند چرا که آنها، هم در سطح ملی و هم بین‌المللی بازیگران مهمی هستند. این گزارش همچنین تصدیق می‌کند که کوششهای مستمری برای حرفه‌ای کردن کارمندان سازمان ملل متحد و پاسخگو کردن آنها نسبت به عملکردشان در حال اجرامی باشد. با این وجود دبیرکل نیاز به اصلاح ارکان میان دولتی سازمان ملل را نیز مورد توجه قرار داده است. این گزارش شیوه رو به رشد تصویب قطعنامه توسط مجمع عمومی به طریق اجماع را - که به هر کوشش جدی برای اتخاذ اقدام مؤثر صدمه وارد می‌سازد - مورد انتقاد قرار داده و پیشنهاد می‌نماید که مجمع عمومی از طریق تمرکز بر مسائل مهم و حیاتی برنامه‌های کاریش را مؤثر و منطقی نماید و در ادامه بر تقویت نقش و اختیار رئیس مجمع عمومی تأکید می‌نماید.

در نهایت دبیرکل ارتباط فعال‌تر و مستمرتر

با جامعه مدنی را پیشنهاد می‌نماید. در زمینه شورای امنیت، دبیرکل از تغییر در ترکیب این شورا برای اینکه نمایندگان بیشتری از کشورهای عضو و مناطق جغرافیایی جذب و بدین وسیله مشروعیتش را ترقی بخشد، حمایت می‌نماید. در همین راستا او به طور گسترده‌ای از پیشنهادات هیئت بلندپایه در این زمینه پشتیبانی کرده اما هیچ نظری را در رابطه با دو مدل از عضویتی که هیئت بلندپایه اعلام نموده بود، از خود بروز نداد. وی از کشورهای عضو خواست تا قبل از کنفرانس سران بررسی هزاره از میان دو گزینه یکی را انتخاب و یا پیشنهاد دیگری را ترجیحاً از طریق اتفاق آرا، تعیین کنند. هر چند او تأکید نمود، خود این اقدام مهم‌تر از رسیدن به اتفاق آرا می‌باشد. دبیرکل با اینکه ارتباط کمیسیون با جامعه مدنی و همچنین رویه‌های تخصصی برای تحلیل و نظارت بر اجرای حقوق بشر را موفق دانسته و مورد تصدیق قرار داده، اما کاهش اعتبار و فقدان حرفه‌ای‌گری درون کمیسیون را یک نقص اصلی آن دانسته است. همچنین در حالی که هیئت بلند پایه عضویت جهانی را برای کمیسیون توصیه نمود، دبیرکل جایگزین کردن یک رکن معتبر و کوچک‌تر - شورای حقوق بشر - را به جای کمیسیون توصیه نمود. این شورا بسته به نظر کشورهای عضو می‌تواند به عنوان یک رکن اصلی سازمان ملل یا به عنوان یک ارگان مکمل مجمع عمومی تأسیس شود. دبیرکل پیشنهاد کرد که مجمع عمومی، اعضای

شورای حقوق بشر را با دو سوم اکثریت آرا انتخاب نماید. با اینکه دبیرکل از معیار عضویت سخنی به میان نیاورد این روشن است که

اعضاء به پیروی از بالاترین استانداردهای حقوق بشر متعهدند.

در همین راستا، دبیرکل در شصت و یکمین جلسه کمیسیون در تاریخ ۷ آوریل ۲۰۰۵ در ژنو

فرصتی برای تشریح بیشتر پیشنهادش برای ایجاد شورای حقوق بشر و به طور کلی تقویت مکانیزم حقوق بشر در سازمان ملل متحد یافت.

وی اذعان داشت که کمیسیون واقعاً توانایی خود را در زمینه ترسیم وضعیت کشورها،

رویه‌های تخصصی خود و ارتباط نزدیک‌تر با جامعه مدنی نشان داده است. با این حال

دبیرکل بار دیگر نقایص سیستم را مورد اشاره قرار داد و تأکید کرد که رکن جدید باید اعتبار،

اقتدار و توان برای انجام وظایفی که برعهده‌اش گذاشته می‌شود را دارا باشد. بخصوص این

ایده را که شورا اختیار بررسی دقیق دوره‌ای از اجرای تعهدات مربوط به حقوق بشر در همه

کشورها را دارد مورد تأکید قرار داد. وی همچنین اظهار داشت که شورا باید در همه

زمانها قادر به مراقبت از بحرانهای اضطراری جامعه ملل بوده و به تجاوزات گسترده به

حقوق بشر بپردازد. علاوه بر این شورا باید قادر به فراهم کردن کمکهای فنی و توصیه‌های

سیاسی برای کشورها باشد. دبیرکل همچنین بیان داشت که تغییرات پیشنهادی در زمینه

عضویت -انتخاب اعضاء توسط دو سوم

اکثریت مجمع عمومی - با هدف ایجاد رکنی انتخابی تر و از این طریق افزایش مشروعیت و پاسخگویی، صورت گرفته است.

متعاقباً در آوریل سال ۲۰۰۵، دبیرکل یادداشتی توضیحی در زمینه پیشنهاد خود برای

تأسیس شورای حقوق بشر برای اعضای مجمع عمومی فرستاد. این یادداشت درصدد

پاسخ به تعدادی از سؤالاتی که در رابطه با گزارش اصلی ایجاد شده بود، برآمده و بیان می‌داشت که شورا باید برای همکاری نزدیک

و مستمر با OHCHR در ژنو واقع گردد؛ هر چند که باید از طریق جلسات ویژه یا دیگر گزینه‌ها،

حضورش را در نیویورک برای تعامل بیشتر با مجمع عمومی، شورای امنیت و شورای اقتصادی

و اجتماعی، افزایش دهد. در این یادداشت دبیرکل تأکید می‌نماید که بررسی دقیق از هیچ

طریق نمی‌تواند جایگزین گزارش دهی تعهدات و رویه‌های تحت معاهدات حقوق بشر گردد.

دبیرکل همچنین تأکید نمود که ماهیت جهانی موردنظر بررسی دقیق در این است که همه

کشورها می‌توانند موضوع این بررسی قرار گرفته و بررسی باید به همه اشکال حقوق بشر،

سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، بپردازد. علاوه بر این او اذعان داشت که این

سیستم باید بی‌طرفانه و شفاف بوده و اطلاعاتی که به نکات اصلی بررسی شکل

می‌دهد باید از پیش معلوم شده باشد. او اظهار داشت که OHCHR می‌تواند اطلاعات مربوط را

جمع‌آوری نماید.

دبیر کل پیشنهاد نمود که مکانیزمهای موجود (رویه‌های تخصصی) کمیسیون و کمیسیونهای فرعی برای گزارش به شورا تا بررسیهای بعدی در زمینه فعالیتهای آنها، ادامه یابد. به علاوه، یادداشت توضیحی روشن می‌کند که شورای حقوق بشر، باید در زمینه بحث و اتخاذ عمل در زمینه وضعیتهای جدی حقوق بشر دارای اختیار بوده، در صورت لزوم قادر به حضور در جلسات فوق‌العاده باشد. در ادامه نیز شورا را به عنوان مکانی برای گفتگو میان کشورهای عضو، در زمینه مسائل جدید و رو به ظهور توصیف می‌کند. وی در نهایت پیشنهاد می‌کند که شورا باید به طور قابل توجهی در زمینه تفسیر و توسعه قوانین حقوق بشر بین‌الملل کمک کرده و از این طریق سیستم معاهدات را تقویت نماید. دبیرکل درباره ماهیت شورای حقوق بشر به عنوان یک رکن اصلی یا مکمل اظهار می‌دارد که ایجاد شورای به عنوان یک رکن اصلی مستلزم اصلاح منشور سازمان ملل می‌باشد اما این امر به شورا اجازه خواهد داد که در کنار دوشورای دیگر بایستد.

فرجام

توجه به تمام جنبه‌های اصلاحات در سازمان ملل، موضوعی است بسیار گسترده که از حوصله یک مقاله خارج است. تلاش بر آن بود تا با ارائه برشهایی کوتاه از برخی جنبه‌های اصلاحی، پویایی و تداوم و در عین حال

دشواری این روند نشان داده شود. اینکه «انجام اصلاحات» خواست اغلب کشورها بوده و با رضایت و حتی گاهی فشار خود دبیرکلهای سازمان ملل صورت می‌پذیرفته، نشان از نهادینه شدن این تفکر در ذهن تمام افرادی دارد که به نحوی با کار سازمان ملل درگیر می‌باشند. تغییرات و تحولات بسیار گسترده در دبیرخانه در فواصل زمانی سالهای ۱۹۵۶-۱۹۵۳، ۱۹۶۶-۱۹۶۴، ۱۹۷۷-۱۹۷۴، ۱۹۸۶-۱۹۸۵ و ۱۹۹۶-۱۹۹۲ نشان از این رویکرد دارد. به نظر می‌رسد هریک از دبیران کل سازمان نیز تمرکز خود را بر موضوع خاصی از فعالیتهای گذشته‌اند. برای مثال، آقای دکوئیر بیشتر بر اصلاح ساختار مالی تمرکز نمود. آقای پطرس‌غالی بیشتر تلاش کرد تا ادبیات سازمان ملل را غنی سازد و آقای کوفی عنان، سعی کرد تا اصلاحاتی جهت هماهنگی بیشتر سازمان ملل با موضوعات نوین جهانی در این سازمان به وجود آورد.

در هر حال گزارش اخیر دبیر کل درخصوص اصلاحات، نمونه مطالعاتی بسیار جامعی است که می‌توان با دنبال کردن سرانجام مباحث پیرامون آن، به درکی مناسب از سیر و شیوه تحولات مرتبط با اصلاحات در سازمان ملل دست یافت. در انتها، گاه شمار تحولات سازمان ملل درخصوص بحث اصلاحات از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۰۴، به صورتی بسیار خلاصه ارائه می‌گردد. امید آنکه بتواند تسلسل این روند را هرچه بهتر نشان دهد.

گاه شمار تحولات مربوط به بحث اصلاحات در سازمان ملل، از سال ۱۹۶۶ تا زمان انتشار گزارش اخیر دبیرکل

۱۷ دسامبر ۱۹۹۶

دبیرکل جدید سازمان ملل، آقای کوفی عنان، در نخستین سخنرانی خود، اهدافی را برای مدت زمان مسئولیتش بیان کرد که عبارت بودند از: تبدیل سازمان ملل به نهادی کوچک تر، مؤثرتر، کارآمدتر و پاسخگوتر به خواسته ها و نیازهای اعضایش و در نهایت اتخاذ دیدگاهی واقعگراتر نسبت به اهداف و تعهدات آن.

۱۷ اواخر ژانویه ۱۹۹۷

دبیرکل، ادارات، برنامه ها و صندوقهای سازمان ملل را تحت چهار بخش سازماندهی کرد. این بخشها عبارت بودند از: صلح و امنیت؛ امور اجتماعی و اقتصادی؛ مسائل انسان دوستانه و در نهایت توسعه.

۱۷ مارس ۱۹۹۷

دبیرکل در نامه ای خطاب به رئیس مجمع عمومی، بخش نخست برنامه اصلاحات سازمانی خویش را به شکل ذیل معین نمود. - ادغام سه اداره در یک اداره «امور اجتماعی و اقتصادی»؛^۶

- تلاش برای کاهش مخارج اداری دبیرخانه از ۳۸ درصد به ۲۵ درصد کل بودجه؛

- تقویت نقش هماهنگ کننده مقیم سازمان ملل در کشورها به عنوان مسئول کل برنامه ها، صندوقها و ادارات سازمان ملل در کشور مورد نظر و تلاش برای بهره برداری مشترک از خدمات و ساختمانها.

۲۷ ژوئن ۱۹۹۷

گروه کاری «جهت دهی دوباره به فعالیتهای اطلاعات عمومی سازمان ملل» که در آوریل همان سال توسط دبیرکل منصوب گردیده بودند، گزارش خود را با عنوان «دیدگاهی جهانی، صدایی منطقه ای: یک برنامه ارتباطی راهبردی برای سازمان ملل» تحویل دادند. این گزارش پیشنهاد می کرد، روشها و ابزارهایی برای شکل دهی مجدد به کار اداره اطلاعات عمومی اتخاذ گردد تا بتوان اهداف سازمان ملل را با قدرت و اراده بیشتری پیش برد.

۱۴ جولای ۱۹۹۷

دبیرکل، گزارش خود با عنوان «نوکردن مجدد سازمان ملل: برنامه ای برای اصلاح» را منتشر نمود. این گزارش از دو بخش تشکیل شده بود: بخش نخست، نگاهی موضوعی به اجزای اصلی داشته، ساختار مدیریت و رهبری جدید پایه گذاری شده توسط دبیرکل را مورد تأکید قرار می داد و اقدامات اساسی پیشنهادی در این مورد را به اطلاع اعضای سازمان ملل

می‌رساند. بخش دوم، بحث جزئی‌تری را درخصوص تمام مباحث مربوط به اصلاحات دربر گرفته و شامل اقدامات خاص و پیشنهادات فراگیر می‌شود.

- ارائه پیشنهاد به مجمع عمومی برای برگزاری «مجمع هزاره»^{۱۰} در سال ۲۰۰۰؛
- و در نهایت، ساماندهی مجدد اداره امور بشردوستانه و تبدیل آن به دفتری جدید برای هماهنگی تمام امور بشردوستانه.

۱۶ جولای ۱۹۹۷

دبیرکل، بخش دوم برنامه خویش را به اطلاع مجمع عمومی می‌رساند. این مجموعه که بخش نخست آن در ۱۷ مارس همان سال اعلام شده بود، با محوریت شش اصل به اجرا در می‌آمد.

۲۵ جولای ۱۹۹۷

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل برنامه‌ای را برای پیوستن به گفتگوهای با نهادهای برتون وودز به منظور هماهنگی و تبادل نظر درخصوص سیاستهای توسعه‌ای طرح ریزی نمود،

- ایجاد یک گروه مدیریت ارشد، تشکیل شده از هماهنگ‌کنندگان گروههای بخشی، سران کمیسیونهای منطقه‌ای و دیگر بخشهای تابعه دبیرکل؛

۱۵ سپتامبر ۱۹۹۷

برنامه‌های حقوق بشری مقر اروپایی سازمان ملل در ژنو زیر نظر یک دفتر واحد با عنوان «کمیساریای عالی حقوق بشر» قرار گرفتند. خانم مری رابینسون نیز به عنوان اولین کمیسر عالی در این دفتر برگزیده شد.

- تأسیس یک «چارچوب مشترک» برای فعالیتهای برنامه توسعه سازمان ملل،^۷ صندوق جمعیت سازمان،^۸ و همچنین صندوق کودکان سازمان ملل^۹ به عنوان بخشی از عملکرد گروه توسعه سازمان ملل؛

۱۹ دسامبر ۱۹۹۷

مجمع عمومی، قطعنامه ۵۲/۱۲ را تصویب نمود. این قطعنامه، برنامه اصلاحات دبیرکل را مورد تأیید قرار می‌داد.

- تقویت اقدامات سازمان ملل برای مبارزه با جرم، مواد مخدر و تروریسم تحت یک دفتر مشترک و متحد با عنوان «دفتر کنترل مواد مخدر و جلوگیری از وقوع جرم»؛

ژانویه ۱۹۹۸

اداره امور خلع سلاح، تأسیس شد.

- ارائه پیشنهاد به مجمع عمومی به منظور ایجاد پست معاونت دبیرکل برای ارتقای مدیریت مجموعه و نظارت بر کارهایی که خارج از حدود نهادها و دفاتر انجام می‌گیرد؛

7. UNDP

8. UNPF

9. UNICEF

10. Millennium Assembly

○ اول مارس ۱۹۹۸

لوئیز فرشه،^{۱۱} به عنوان اولین معاون دبیرکل انتخاب می‌شود و صندوق مشارکت بین‌المللی سازمان ملل، به منظور اعمال دخالت و هماهنگی در پروژه‌های توسعه‌ای این سازمان تأسیس می‌گردد.

○ ۸-۶ سپتامبر ۲۰۰۰

اجلاس هزاره سازمان ملل با حضور ۱۴۷ رئیس دولت و حکومت تشکیل و اعلامیه هزاره سازمان ملل را تصویب نمود. این اعلامیه، سندی اساسی و برجسته است که راهکارهایی شفاف را برای اتخاذ توسط سازمان ملل در قرن جدید ارائه می‌دهد.

○ آگوست ۱۹۹۸

یک واحد برنامه‌ریزی استراتژیک، داخل دفتر اجرایی دبیرکل ایجاد می‌گردد.

○ ۳۱ ژانویه ۱۹۹۹

دبیرکل سازمان ملل در نطقی که در اجلاس جهانی اقتصاد، در داووس سوئیس انجام می‌دهد، پیشنهادی مبنی بر ایجاد یک موافقتنامه جهانی در خصوص حقوق بشر، کار و محیط‌زیست را ارائه می‌دهد.

○ ۱۸ اکتبر ۲۰۰۰

دبیرکل در گزارشی به مجمع عمومی با عنوان «سلامت و امنیت کارکنان سازمان ملل» برنامه‌ای دو ساله را برای بازتوانی مستقیم مدیریت امنیت سازمان ملل ارائه می‌دهد.

○ ۲۸ فوریه ۱۹۹۹

پرسنلی که به واسطه حمایت یک دولت عضو سازمان، به صورت رایگان در اختیار دبیرخانه گذاشته می‌شدند، به تدریج کنار گذاشته شدند.

○ ژانویه ۲۰۰۱

یک سیستم به هم پیوسته مدیریت و اطلاعات الکترونیکی^{۱۳} به منظور دیجیتالی کردن بودجه و مدیریت اطلاعات و ارتباط دادن عملیتهای سازمان ملل در نیویورک و سایر نقاط جهان ایجاد گردید.

○ ۲۶ جولای ۲۰۰۰

بیش از ۵۰ مدیر اجرایی ارشد^{۱۲} در مقر اصلی سازمان ملل با دبیرکل دیدار کردند. این دیدار برای صدور یک توافقنامه جهانی صورت گرفت که براساس ابتکار دبیرکل برای ادغام

11. Luise Frechette

12. Chief Executive Officer (CEO)

13. Electronic Integrated Management Information System (IMIS)

۳۰

○ اول جولای ۲۰۰۲

خانم پاتریشیا دورانت^{۱۴} به عنوان بازرس اداری برای تسهیل حل و فصل غیر رسمی مشکلات اداری - مدیریتی کارکنان سازمان ملل تعیین شد.

- همکاری بهتر با یکدیگر؛
- اختصاص منابع به اولویتها؛
- تخصیص اقدامات اضافی برای ارتقای مدیریت منابع انسانی.

○ نوامبر ۲۰۰۲

اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل به سه بخش اصلی تقسیم شد و دستورالعمل و مفاهیم نوینی برای اجرا، جهت آن تنظیم گردید.

○ ۳۱ جولای ۲۰۰۲

نخستین گزارش سالانه در خصوص دسته بندی روندهای مرتبط با دستیابی به اهداف توسعه هزاره سازمان ملل منتشر گردید.

○ ۱۸ دسامبر ۲۰۰۲

مجمع عمومی، قطعنامه ای با حمایت گسترده را در خصوص مجموعه دوم دبیرکل برای اصلاحات صادر کرد.

○ اول آگوست ۲۰۰۲

یک هماهنگ کننده امنیتی در سطح دستیار دبیرکل، براساس نخستین گزارش دبیرکل در خصوص امنیت کارکنان سازمان ملل، انتصاب گردید.

○ مارس - آوریل ۲۰۰۳

دبیرکل، یک برنامه کامل در خصوص بودجه پیشنهادی برای سال مالی ۲۰۰۵-۲۰۰۴ را ارائه داد. این برنامه نمایانگر توجه افزون تر بر مسائل توسعه ای، تخصیص منابع مهم، سازماندهیهای مجدد، عدم تداوم برون دادهای تکراری و افزایش منابع برای تکنولوژی اطلاعاتی و آموزش کارکنان می باشد.

○ ۹ سپتامبر ۲۰۰۲

دومین مجموعه کامل دبیرکل در خصوص اصلاحات، با عنوان «دستورالعملی برای تغییرات آینده» منتشر شد. برخی سرفصلهای این گزارش عبارتند از:

- هماهنگ نمودن فعالیتهای سازمان ملل (نشستها، گزارشها و رویدادها) با اولویتهای مورد توافق قرار گرفته در اعلامیه هزاره؛
- تقویت و ارتقای حقوق بشر؛
- تقویت اطلاعات عمومی؛
- ارائه خدمات مطلوب تر به دولتهای

○ اول ژانویه ۲۰۰۴

مرکز اطلاعات منطقه ای سازمان ملل برای

عضو؛

۶۴

غرب اروپا در بروکسل گشایش یافت. با آغاز به کار این مرکز، ۹ مرکز مرتبط دیگر که به صورت پراکنده در این منطقه مشغول به فعالیت بودند، بسته شدند.

○ مارس ۲۰۰۵

انتشار گزارش آقای کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد تحت عنوان «برای آزادی بیشتر: به سوی توسعه، امنیت و حقوق بشر».

○ فوریه ۲۰۰۴

حسابداری کل سازمان ملل اقدام به انتشار گزارشی درباره ارزیابی دقیق اصلاحات در سازمان ملل نمود. در این گزارش، اعلام شده که حدود ۸۵ درصد از اهداف اصلاحات مورد نظر در حد فاصل سالهای ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲، به شکل کامل یا بخشهایی از آنها به اجرا درآمده و محقق شده است.

پانوشتها

1. Edward C. Luck, **Reforming the U. N: Lessons from a History in Progress**, (International Relations Studies and the United Occasional Papers, 2003), P.3.
2. <http://www.globalpolicy.org/reform/analysis.htm>.
3. For the preliminary results of the study, see Senate Committee on Expenditures in the Executive Departments, **United States Relations with International Organization**, 80 th Cong., 2d sess. 1948, S. Rept. 1757, pp. 11-19. For a broader discussion of Congressional concerns about UN management in these early days, see Edward C. Luck, **Mixed Messages: American Politics an International Organizations, 1919-1999** (Washington, D.C.: Brookings Institution Press, 1999) pp. 201-205.
4. **Op.cit.** Edward C. Luck,
5. البته بدون در نظر گرفتن استرالیا، زلاندنو و بسیاری از کشورهای خاورمیانه.
6. **Op.cit.** Edward C. Luck, P.9.
7. **Ibid**, P.13.
8. As in 1963, in the second round the United States actually had proposed a much more modest increase in ECOSOC membership of only 12 to 15 new member, to a total of

○ ژوئن ۲۰۰۴

انتشار گزارش سه سالانه «ارزیابی کامل سیاستهای مرتبط با فعالیتهای عملی برای توسعه سیستم سازمان ملل» که انعکاس دهنده هماهنگی بهتر میان دفاتر سازمان ملل در داخل کشورها می باشد.

○ اول نوامبر ۲۰۰۴

معرفی مجموعه پیشنهادات دبیرکل برای ارتقای سیستم مدیریت امنیت سازمان ملل از سوی وی برای مجمع عمومی.

○ دوم دسامبر ۲۰۰۴

انتشار گزارش هیئت بلند پایه تعیین شده از سوی دبیرکل با عنوان «تهدیدات، چالشها و

Economic Co-operation, E/AC. 62.9

(New York: United Nations, 1975), p.1.

Under Article 56, "all members pledge themselves to take joint and separate action in co-operation with the Organization for the achievement of the purposes set forth in Article 55." The latter lays out a series of economic and social goals for the Organization.

12. *Ibid.*; staffing questions are addressed on pp.22-29.

13. *Ibid.*, pp. 56 and 57. The United States did support an increase in voting strength in the International Monetary Fund (IMF) for oil exporting countries and the maintenance of the position of other developing countries, even though economic indicators would have indicated a decrease in the voting position of non - oil exporting, developing countries.

See the testimony of Paul H. Boeker, Deputy Assistant Secretary of State for Economic and Business Affairs, on May 21, 1975, during the House Subcommittee Hearings on International Organizations of the Committee on International Relations, Issues at the Special Session of the 1975 U.N. General Assembly, 94 th Cong., 1st sess., Pub. No. 75 - H381-50 (Washington, D.C. US Government Printing Office, 1975), p. 82.

14. *Op.cit.* Edward C. Luck, P. 25.

15. *Ibid.*

16. For a listing of these units, see **Renewing the United Nations**, p. 31.

17. *Ibid.*

18. [http://www.ishr.ch/About %20 UN/ Reports %20 and %20 Analysis/UN-Reform/ Guide to Process 20-6-05. pdf.](http://www.ishr.ch/About%20UN/Reports%20and%20Analysis/UN-Reform/Guide%20to%20Process%206-05.pdf)

between 39 and 42. It was willing to concede on the larger number, however, in return for support in creating two new standing subsidiary bodies, a Review and Appraisal Committee and a Committee on Science and Technology for Development (the phrase "for development" added, of course, by the developing countries). The Assembly resolution also specified the new geographical allocation of seats, with the developing countries of Africa, Asia, and Latin America to receive almost two-thirds(35) of the 54 seats. While this more closely reflected the evolving shape of the Organization's membership, it moved farther from the principle of balance between developed and developing countries espoused by the United States in 1963 at the outset of the first wave of ECOSOC reform. A brief history of these developments is cited in the statement of Martin F. Herz, Acting Assistant Secretary of State, Bureau of International Organization Affairs, to the Senate Foreign Relations Committee on July 24, 1973, reproduced as an Appendix in the Committee's Report, Amendment to Article 61 of the Charter of the United Nations, July 26,1973, 93rd Cong., 1 st sess., Executive Report No. 93-9, pp. 2-4.

9. Ronald I. Meltzer, "**Restructuring the United Nations System: Institutional Reform Efforts in the Context of North - South Relations**," International Organization, 32/4 (Autumn 1978), pp. 993-1018.

10. [http://www.un.org/docs/ ecosoc_ background.html](http://www.un.org/docs/ecosoc_background.html)

11. Report of the Group of Experts on the Structure of the United Nations System, **A New United Nations Structure for Global**

٤٩